

## بررسی نقش و جایگاه قوم بختیاری در دوران نادرشاه افشار

امین احمدی بیرگانی\*

### چکیده

قوم بختیاری از دورهٔ صفویه و پس از آن همواره نقش مهمی در تحولات تاریخی ایران ایفا نموده است. در دوران صفویه حکومت منطقه بختیاری به طور موروثی در اختیار خوانین بختیاری باقی ماند و حاکم بختیاری جایگاه و رتبه ممتازی مانند والیان کسب کرد. اوضاع سیاسی آشفته پایان صفویه فرصتی را برای قوم بختیاری فراهم ساخت تا با حضور در عرصه‌ی حوادث به تکاپوهای در زورآزمایی قدرت دست بزنند. زمانی که افغان‌ها به ایران حمله کردند بختیاری‌ها برای نجات اصفهان وارد عمل شدند و تلاش‌های زیادی انجام دادند، اما نتوانستند اصفهان را نجات دهند. در دوران نادرشاه، بختیاری‌ها به عنوان یکی از اقوام مهم و تاثیرگذار شناخته می‌شدند. آن‌ها به دلیل نظام قبیله‌ای و ساختار اجتماعی خاص خود، قادر به بسیج نیروهای نظامی و شرکت در جنگ‌ها و شورش‌ها بودند. قوم بختیاری در زمان نادرشاه افشار نقش فعالی در تحولات سیاسی موجود داشتند، اما سیاست‌های تند و خشن نادر باعث شد روابط آن‌ها دچار فراز و فرودهایی گردد. و شورش‌ها و نافرمانی‌های از سوی مردم بختیاری صورت گرفت که باعث جنگ‌های متعددی گردید و ناگزیر به فرمانبرداری در برابر نادر شدند. بختیاری‌ها درگیری‌های زیادی با دشمنان داخلی و خارجی ایران داشتند و در چندین نبرد مهم همراه با نادرشاه به میدان جنگ رفتند و در فتوحاتش نقش داشتند. در مجموع، بختیاری‌ها در دورهٔ نادرشاه به عنوان یکی از ستون‌های اصلی قدرت نظامی و حمایت مردمی از حکومت افشار نقش اساسی داشتند و تعاملات سیاسی و نظامی آن‌ها با نادرشاه به تقویت حکومت مرکزی و استقرار امنیت در مناطق تحت کنترل کمک کرد. به طور کلی، مقاله به بررسی چگونگی شکل‌گیری و تحولات این روابط در بستر تاریخ ایران و

\* کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور. ahmadi.amin50@yahoo.com

همچنین، به چالش‌ها و فرصت‌هایی که این قوم در دوران نادر شاه با آن‌ها مواجه بودند، می‌پردازد.

واژگان کلیدی: بختیاری، نادرشاه، افشار، صفویه، حمله افغان‌ها، فتح قندهار.

## ۱ - بیان مسأله

سرزمین قوم بختیاری در اواسط دوره صفویه به رتبه ایالت ارتقا یافت و مورد توجه دولت صفویه قرار گرفت. در دوره صفویه حکومت منطقه بختیاری در اختیار خوانین بختیاری باقی ماند و حاکم بختیاری جایگاه و رتبه ممتازی کسب کرد. نزدیکی پایتخت صفویان با سرزمین بختیاری زمینه‌ساز رشد و ترقی قوم بختیاری گردید. در اواخر حکومت صفویه که حکومت مرکزی با جلوس شاه سلطان حسین دچار ضعف و زوال شده بود شاهد اولین حضور بختیاری‌ها در صحنه سیاسی ایران هستیم. بعد از حمله افغان‌ها به ایران که با سقوط صفویه همراه شد، قوم بختیاری برای نجات اصفهان با آن‌ها درگیر شد که به دلایلی همچون اختلافات ایلی و کمبود نفرات شکست خوردند. بعد از این حادثه محمود افغان از جانب بختیاری احساس خطر کرد و به سرزمین بختیاری حمله کرد که تلفات فراوانی متحمل شد. اوضاع سیاسی آشفته‌ی پایان صفویه فرصتی را برای قوم بختیاری فراهم کرد تا با حضور در عرصه‌ی حوادث به تکاپوهایی در زورآزمایی قدرت دست بزنند. پس از یورش افغانه به ایران و سقوط اصفهان، پایتخت صفویه، شاه طهماسب دوم تا سال ۱۱۴۵ق. تلاش‌هایی را در جهت احیای قدرت صفویه انجام داد و سعی کرد از سرداران ایرانی برای این امر بهره گیرد. یکی از این افراد، نادر از ایل افشار بود که در ۱۱۳۹ق. به شاه طهماسب دوم پیوست و تا ۱۱۴۵ق. توانست تا حدودی به اوضاع آشفته ایران سر و سامان دهد. در این سال، به خاطر صلح طهماسب دوم با عثمانی‌ها، نادر با تهدید بزرگان، آن‌ها را وادار به عزل شاه از سلطنت کرد و فرزند هشت ماهه طهماسب به نام شاه‌عباس سوم را به سلطنت برگزید و خود به عنوان نیابت سلطنت، امور کشور را به دست گرفت. نادر، در چهارم

شوال ۱۱۴۸ق. در دشت مغان تاجگذاری کرد. از آن پس تا سال ۱۱۶۰ ق. خود در رأس امور قرار گرفت و در این مدت به انتظام امور لشکری و کشوری پرداخت. بعد از ظهور نادرشاه افشار و اخراج افغان‌ها از ایران در میان طوایف بختیاری شورش‌های در حمایت صفویه پدید آمد که باعث درگیری بختیاری با نادر گردید اما نتوانستند کاری از پیش برند و ناگزیر به فرمانبرداری در برابر نادر شدند. نادر با در نظر داشتن روند و رخداد‌های تاریخی این قوم و حوادثی را که برای خود او اتفاق افتاده بود و اینکه قبول چنین قدرتی با موقعیت و خاستگاه طبیعی صعب العبور برای وی غیرقابل تحمل بود، از این رو به تضعیف آن‌ها پرداخت. سیاست‌های تند و خشن نادر باعث شد روابط آن‌ها دچار فراز و فرودهایی گردد. و شورش‌ها و نافرمانی‌های از سوی مردم بختیاری صورت گرفت که باعث جنگ‌های متعددی گردید. قوم بختیاری در زمان نادرشاه به علت عدم وحدت درونی خوانین بختیاری و نیز شدت عمل نادر نسبت به آن‌ها ناچار به قبول حکومت افشاریه شدند. بختیاری‌ها بعد از شکست به یکی از ستون‌های اصلی سپاه نادر تبدیل شدند و در حمله به هندوستان و فتح قندهار نقش اساسی داشتند. این پژوهش به بررسی نقش و جایگاه قوم بختیاری و دلایل درگیری آن‌ها با حکومت مرکزی در دوران نادرشاه را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

#### ۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

اقوام و ایلات در روند تحولات سیاسی و نظامی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی تاثیرگذاری فراوانی داشتند. ضرورت دارد که جایگاه و نقش آنان در هر دوره تبیین شود و با پژوهش در تاریخ محلی و واکاوی زوایای ناشناخته آن می‌توان به تدوین تاریخ ملی پرداخت. قوم بختیاری همچون سایر اقوام و ایلات ایران در حوادث و رویدادهای تاریخ ایران نقش مهمی داشتند و بعد از سقوط صفویه یکی از نیروهای تاثیرگذار در تحولات سیاسی و نظامی در این دوره به شمار می‌روند. بنابراین پژوهش در مورد این موضوع ضروری است.

#### ۱-۲. سابقه و پیشینه تحقیقات انجام شده در این زمینه

در مورد بختیاری‌ها و تحولات ایران به شکل روایی به حوادث مربوط به نادرشاه افشار و درگیری‌های او با قوم بختیاری اشاره شده است. مهمترین پژوهش‌های علمی که در ارتباط با این موضوع انجام گرفته است عبارتند از:

- مینا شاهرخی شهرکی: «نقش بختیاری‌ها از پایان صفویه تا قدرت‌یابی کریم خان زند»

- سیما دانشخواه: «بررسی نقش بختیاری‌ها در تحولات سیاسی ایران از سقوط صفویه تا برآمدن قاجارها»

تمایز این پژوهش با مواردی که نام برده شد در این نکته است که پژوهش حاضر به بررسی دلایل جنگ‌ها و شورش‌های مردم بختیاری در دوران حکومت نادرشاه افشار می‌پردازد.

#### ۱-۳. اهداف تحقیق

##### ۱-۳-۱. هدف اصلی

- بررسی روابط بختیاری‌ها با نادرشاه افشار و پیامدهای آن

##### ۱-۳-۲. اهداف فرعی

- بررسی و واکنش بختیاری‌ها در مقابل حمله افغان‌ها

- عوامل ناکامی بختیاری‌ها در جنگ‌ها

- نقش بختیاری‌ها در سپاهیان نادرشاه

- اهمیت منطقه بختیاری در دوران افشار

##### ۱-۴. سوال اصلی

- قوم بختیاری در تحولات سیاسی و نظامی پس از صفویه و دوران نادرشاه چه نقشی داشتند؟

##### ۱-۴-۱. سوالات فرعی

- عوامل ناکامی بختیاری‌ها در نبرد با نادر شاه چه بودند؟

##### ۱-۵. فرضیه

### ۱-۵-۱. فرضیه‌ی اصلی

- قوم بختیاری نقش قابل توجهی در وقایع سیاسی و نظامی دوران نادرشاه افشار ایفا کردند.

### ۱-۵-۲. فرضیات فرعی

- هدف اصلی علی مرادخان بختیاری، دستیابی به قدرت و تشکیل سلطنت در ایران بود.

دسته‌بندی طایفه‌ای و رقابت داخلی بین بختیاری‌ها از یک سو و شدت عمل نادر نسبت به آن‌ها، از عوامل عمده ناکامی بختیاری‌ها بود.

بختیاری‌ها یکی از نیروهای اصلی در کشمکش‌های داخلی بودند.

### ۱-۶-۱. روش و ابزار گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر پژوهش کتابخانه‌های است که با ابزار فیش، به شیوه فیش‌برداری از منابع، دسته‌بندی فیش‌ها با توجه به عناوین اصلی و فرعی، موضوع پژوهش سامان می‌یابد.

### ۱-۷-۱. منابع اصلی پژوهش

منابع اصلی این پژوهش به دو دسته تقسیم می‌شوند که هر کدام بخشی از اطلاعات مورد نیاز این پژوهش را فراهم کرده‌اند.

### ۱-۷-۱-۱. کتب تاریخ نگاری

بخشی از گزارش‌های کتب تاریخی مربوط به تحولات منطقه بختیاری و بخشی نیز به نقش بختیاری در تحولات کشور و فراتر از منطقه می‌پردازند.

"عالم آرای نادری / محمد کاظم مروی" مفصل‌ترین منبع دوران نادرشاه افشار است.

کتاب به زبان ساده و بی‌پیرایه، زبان محاوره‌ای عصر خود نوشته و آنچه را دیده یا شنیده و یا احساس کرده را بر روی کاغذ آورده است. اطلاعات گسترده‌ای در مورد بختیاری ارائه می‌دهد، چون در این دوره نقش بختیاری در تحولات سیاسی و رویدادهای نظامی بسیار پر رنگ شده بود. گزارش‌ها مفصلی در مورد شورش‌های

بختیاری‌ها علیه نادر، مخصوصاً شورش علی‌مراد خان بختیاری و نقش بختیاری‌ها در رویدادهای نظامی است. این دوره مانند فتح قندهار و درگیری‌ها با عثمانی‌ها در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

جهانگشای نادری / میرزا مهدی خان استرآبادی

مؤلف این کتاب از اطرافیان نادرشاه بوده و گزارش‌های دقیق و قابل اعتمادی در مورد وقایع این دوره ارائه می‌دهد. گزارش‌های وی در مورد بختیاری‌ها مختصر است و بختیاری‌ها را به دلیل شورش علیه نادر مورد سرزنش قرار می‌دهد.

### ۱-۷-۲. یادداشت‌های اروپایی

چون منطقه بختیاری در مسیر جاده‌های اصلی و تجاری قرار نداشت هیچ سیاح اروپایی در دوران افشاریه به این منطقه توجه نکرده است تنها برخی اروپایی‌ها در گزارش‌های خود به بختیاری توجه کرده‌اند.

برافتادن صفویه و برآمدن محمود افغان / ویلم فلور

این منبع ارزشمند متکی بر گزارش‌های ارزشمند بازرگانان هلندی است که اطلاعات ارزشمندی در مورد حمله افغان‌ها، ایام محاصره اصفهان و وقایع پس از سقوط آن شهر ارائه می‌دهد. گزارش هلندی‌ها در مورد تلاش بختیاری‌ها برای نجات شهر اصفهان و درگیری آنان با افغان از سایر منابع مفصل‌تر و دقیق‌تر است و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند.

نامه‌های طیب نادرشاه / بازن

وی گزارشی در مورد چگونگی بازگشت بختیاری‌ها از خراسان ارائه می‌دهد که در قیاس با سایر منابع مفصل‌تر و دقیق‌تر است.

سفرنامه ژان اوتر

سفرنامه اوتر یکی از معدود سفرنامه‌هایی است که راوی اوضاع و احوال ایران در عصر نادرشاه افشار است.

### ۲. بختیاری و صفویه

## ۲-۱. جایگاه حاکم بختیاری در دوره صفویه

حاکم بختیاری در اواخر دوره صفویه جایگاه معتبری بدست آورد و در ردیف حکام و صاحب منصبان طراز اول کشور قرار گرفت.

میرزا سمیعا، پس از اشاره به این موضوع که رتبه والیان برتر از بیگلربیگیان است، پنج والی نشین ایران به ترتیب عربستان، لرستان فیلی، گرجستان و کردستان ذکر می‌کند و حاکم ایل بختیاری را در رتبه پنجم قرار می‌دهد. که از قدیم کمال احترام و عزت را داشته‌اند (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۵). وی مدخل حاکم بختیاری را ۳۳۷۰ تومان و ۳۳۲۰ دینار ارزیابی می‌کند (همان، ۸۵).

میرزا رفیعا حاکم بختیاری را در رتبه پنجم و بعد از والیان عربستان، لرستان، گرجستان، و کردستان قرار می‌دهد که قرن‌ها به طور موروثی حاکم قلمرو خود بودند «پنجم: عالی جاه حاکم بختیاری، از جمله حکام عظیم‌الشان و وجوهات الکاء بختیاری به مبلغ و مقدار معین بدون گذرانیدن تیول نامیچه در وجه مشارالیه مقرر و قول بیگی ندارد و قول بیگی احدی هم نیست و قشون معین ندارد و در اسفار قریبه عربستان و بغداد یک هزار نفر و در اسفار بعیده از صد و پنجاه الی دویست نفر قشون می‌فرستاده‌اند و جمعی از اولاد و اقوام ایشان در درگاه معلی در سلک یساولان صحبت و آقایان عظام و ایشیک آقاسیان ملازم و مواجب و تیول در وجه ایشان مقرر و بر درگاه معلی حاضر می‌شدند و در مجلس بهشت آیین جای حاکم مشارالیه بعد از دیوان بیگی بوده و اخراجات ایشان از بیوتات معموره داده می‌شد و رسوم ارباب مناصب از ایشان بازیافت نمی‌شد. و در حین تفویض منصب به علاوه خلاع فاخره تاج و جیقه و طومار و یا شمشیر یا خنجر به ایشان مکرمت می‌شد. و هر ساله یک مرتبه دو رأس اسب و مادیان و نه رأس قاطر و نه دست شاهین آل و پنجاه من شوره و مرتبه دیگر با خانه برنج و لیمو انفاذ درگاه معلی می‌نمودند و در ازاء آن خلعت پوشیده و به ایشان شفقت می‌شد و اگر در سالی به اعتبار موانعی چند انفاذ پیشکش

مزبور تعذری به هم می‌رسانیدند از ایشان بازخواست نمی‌شد» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۸۵).

این گزارش نشان می‌دهد که حاکم بختیاری هر چند با محدودیت‌های مواجه بود و قشون معینی نداشت، اما از نگاه دولت صفوی مهم و شاید خطر ساز تلقی می‌شد. دریافت جیقه و تاج، قرار گرفتن در رتبه بعد دیوان بیگی در مجلس بهشت آیین نیز نشان دهنده جایگاه مهم حاکم بختیاری است.

در میان سیاحان اروپایی، سانسون بعد از بیان این نکته که شش نوع حاکم در ایران وجود دارد، تأکید می‌کند والیان از همه مهم‌ترند و منطقه بختیاری یکی از والی‌نشینان است. «والی‌ها از اولاد و بازماندگان سلاطینی هستند که پادشاه ایران کشورهای آن‌ها را گرفته و آن‌ها را بزور مطیع و فرمانبردار خود ساخته است ولی حکومت آن نواحی را برای خودشان باقی گذارده است... والی‌ها در جلسات هیأت دولت و در مهمانی‌های شاه بلافاصله بعد از شش رکن الدوله یا وزرای اصلی می‌نشینند در ایران والی‌ها به چشم شاهزادگان می‌نگرند و والی از تمام امتیازاتی که مهمانان شاه از آن بهره‌مند می‌شوند برخوردار می‌گردند از جمله در تمام مدتی که در دربار اقامت دارند با شاه سر یک سفره غذا می‌خورند» (سانسون، ۱۳۴۶: ۵۸).

این گزارش‌ها و شواهد نشان می‌دهد که حاکم بختیاری در دوره صفویه از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود. این اهمیت نتیجه سه عامل بود:

#### ۱- انتقال پایتخت به اصفهان

انتقال پایتخت به اصفهان توسط شاه عباس نه تنها باعث رونق و شکوفایی این شهر شد بلکه برای مناطق اطراف اصفهان از جمله منطقه بختیاری نیز نتایج خوشایندی به همراه داشت. سفرهای بیلاقی پادشاهان صفوی که قبل از پایتخت شدن اصفهان وجود داشت، افزایش یافت. این سفرها نه تنها به رونق اقتصادی منطقه بختیاری کمک می‌کرد بلکه به خوانین بختیاری فرصت می‌داد به پادشاهان صفوی نزدیک شده و با خدمت‌رسانی به آن‌ها مقام و مرتبه خود را افزایش دهند.

سفر شاه تهماسب در سال ۹۷۶ قمری به گندمان (ابن القباد حسینی، ۱۳۷۹: ۱۰۹ و حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۰۰).

سفر شاه عباس در نوروز ۹۹۹ قمری به گندمان (حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۲ / ۹۱۰).

سفر شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۵ قمری (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۵۸۵ - ۵۸۹).

## ۲\_ آب کوه‌رنگ

تامین آب شهر اصفهان یکی از دغدغه‌های همیشگی پادشاهان صفوی بود. بنابراین انتقال آب کوه‌رنگ به زاینده رود، از دورهٔ شاه تهماسب در برنامه کار دولت صفویه قرار داشت.

## ۳\_ نیروی نظامی بختیاری

سبک زندگی بختیاری‌ها، که بسیاری از آن‌ها کوچ‌نشین بودند، روحیه جنگاوری را در آن‌ها بوجود آورده بود. بنابراین، منطقه بختیاری از قابلیت‌های نظامی قابل توجهی برخوردار بود و می‌توانست نیروی نظامی قابل توجهی برای صفویه فراهم کند. گزارش‌های منابع نشان می‌دهد که حکام بختیاری با سربازان خود در جنگ‌های صفویه با عثمانی شرکت داشتند؛ این عامل نیز بر اهمیت منطقه بختیاری افزود.

## ۲-۲. نبرد با افغانه

با جلوس شاه سلطان حسین در سال ۱۱۰۵ هجری قمری بر تخت سلطنت صفویه، حکومت مرکزی به تدریج رو به ضعف و زوال نهاد. در دوران سلطنت وی، در سال ۱۱۳۴ قمری، محمود افغان به ایران هجوم آورد. تنها گروهی که در این اوضاع به حمایت از صفویه و مقابله با افغان‌ها شتافتند، جمعی از غازیان بختیاری بودند که به حراست و قلعه‌داری و ساختن برج و بارو و خاکریز نمودن عرض راه‌ها مشغول شدند، و بقیه راه فرار در پیش گرفتند و هر کس به ولایت خود بدر رفتند (مروی، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۷).

در زمان محاصره اصفهان توسط محمود افغان «تنها علی مهران بختیاری توانست با شش هزار سربازان و گماشتگان دلیر خود به شهر خوراک برساند» (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۰۸).

قاسم‌خان با دوازده هزار نیرو برای کمک به شاه سلطان حسین عازم اصفهان شد. در بین راه با سپاه امان الله خان درگیر شد.

گزارش هلندی‌های کمپانی هند شرقی در ایران که حوادث پایانی صفویه را گزارش داده‌اند می‌توان ردپای حضور بختیاری‌ها را در این وقایع پیگیری کرد. در گزارش ۲۱ آوریل در دوران محاصره اصفهان، حاکم بختیاری قاسم‌خان با سه هزار نیرو به نجف آباد که در پنج میلی شهر است رسیده است (فلور، ۱۳۶۵: ۱۴۵). قاسم‌خان والی بختیاری بر گروهی از افغانان در این سوی جعفر آباد پیروزی یافته و جماعتی از این اوباش که بیش از صد تن بوده‌اند به دنیای دیگر فرستاده است (همان: ۱۵۷). صبحگاهان ۶ ژوئیه گزارش رسید که کسی به نام میرزا حسین با ده هزار سپاهی بختیاری به روستای نجف آباد در پنج میلی اینجا رسیده است تا برای نبرد با محمود به فرح آباد برود. دو هزار افغانی به سوی بختیاری حرکت کردند. بختیاریان بر دو هزار افغانی چیره شده و دویست تا سیصد نفر از آن‌ها را به هلاکت رسانده و باقی را فراری داده‌اند، محمود به محض شنیدن این خبر دو هزار سپاهی دیگر به یاری آن‌ها فرستاده است (همان: ۱۸۷). سپاهیان که محمود به یاری سپاهیان خود فرستاده بود با شکست و شبیخون روبرو می‌شوند. بار دیگر، محمود سپاهیان تازه‌نفس خود را از سنگرها فرا می‌خواند تا علیه بختیاریان به میدان آمده و به نبرد پردازند (همان: ۱۸۹). اما بختیاریان مجدداً افغان‌ها را شکست داده و وادار به فرار کردند و همچنین هزار و پانصد تن از اسیران ایرانی که افغان‌ها برای افزودن به سپاهی لشکر با خود برده بودند، را نیز آزاد کردند (همان: ۱۹۰).

بختیاریان دوباره افغان‌ها را شکست داده و در سه حمله دو هزار تن از آن‌ها را کشته‌اند. افزون بر این بختیاریان یکی از سران مهم افغان که بر اسبی بسیار زیبا و مجهز به جل زرین سوار بوده اسیر کرده‌اند (همان: ۱۹۳). افغان‌ها برای آزادی او مبلغ دوازده هزار تومان به بختیاریان پیشنهاد داده‌اند اما بختیاریان نپذیرفته‌اند. بعد این اندیشه پدید آمد که این مرد خود محمود است (همان: ۲۰۳).

محمود پس از چندی با سپاهی بسیار عازم فتح کهگیلویه، لرستان و بختیاری شد. چون به سرزمین بختیاری رسید، بختیاری‌ها آماده مقابله با سپاه محمود بودند. آنان بر سپاه محمود حمله کردند و افراد بسیاری از آن‌ها را به قتل رساندند. محمود ناچار راه فرار در پیش گرفت و به کهگیلویه رفت تا به موقع تلافی کند از قضا یک شب برفی عظیم بارید و سپاه محمود را برف احاطه نمود و امکان نقل مکان و حرکت کردن برای سپاه محمود امکانپذیر نبود. این وضعیت سه ماه ادامه پیدا کرد و محمود راه به جایی نبرد، با گرما شدن هوا برف‌ها آب شدند و رودخانه‌ها طغیان کردند. خواستند از آب بگذرند سپاه و اموال بسیاری تلف شدند. با این وضعیت امکان عبور سپاه محمود نبود. محمود از روی اضطرار ملتجی به قاسم‌خان شد و هدیه‌ها داد. قاسم‌خان نیز به طور مخفیانه گروهی را به عنوان راهنمای راه برای محمود فرستاد و از تمامی سپاهیان محمود سه هزار نفر برهنه و عریان به اصفهان رسیدند (سردار اسعد، ۱۳۶۳: ۴۶۲؛ قدوسی، ۱۳۳۹: ۵۱).

## ۲-۳. حکومت صفی میرزا

میرزا مهدی‌خان استرآبادی، اصل او را از طایفه کرانی می‌داند: «اول صفی میرزا نامی بود که در سمت بختیاری بهم رسید. حقیقت احوال اول اینکه: مومی الیه شخصی بود از طایفه کرانی، که در سنه هزار و صد و سی و هفت هجری از خلیل آباد بختیاری منبعث شده، ادعای شاهرادگی، و پسری خاقان شهید نمود. وی می‌گفت که من اولاً ابوالمعصوم میرزا بوده، ثانیاً این اسم را مراد خود گذاشته‌ام» (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۱). محمد کاظم مروی هم او را از طایفه گرائی دانست که وارد خلیل آباد بختیاری شده بود.

«..... صفی میرزا نامی مجعول النسب که از طایفه گرائی بود، وارد خلیل آباد بختیاری شد، و در آن حدود شهرت تمام داد که من ولد خاقان شهید شاه سلطان حسین‌ام، و خواهری دارم که در دهات همین نواحی گذاشته، و خود وارد این حدود (شده‌ام) که شاید جمعی از هواخواهان و دولت طلبان و نمک شناسان ما جمعیت نموده، شاید این

عار و ننگ را از جماعت افاغنه استرداد نمایند، یا اینکه به سمت روم رفته داد خواهی به قیصر نماییم» (مروی، ۱۳۶۴: ۴۸)

محمد حسن خان و سرخیلان بختیاری صفی میرزا را غنیمت شمرده و سران بختیاری ادعای شاهزادگی صفی میرزا را قبول کردند. و به دستور محمد حسن خان مقدمات سلطنت وی را فراهم کردند. صفی میرزا پس از نشستن بر تخت سلطنت، ارقام و نامه‌هایی به نواحی اطراف نوشت. وی جیقه و جواهر را به سمت چپ عمامه خویش زد و خطبه به نام شاه تهماسب دوم خواند. حکام ایالات شوستر و کهگیلویه و روسای ایلات و عشایر آن نواحی خیلی زود به صفی میرزا پیوستند و در مدت کوتاهی بیست هزار نفر کمر به خدمت وی بستند. وی امرایی را برای نواحی گوناگون فرستاد و با قوای عثمانی که کرمانشاهان و همدان را تصرف کرده بودند جنگید و پیروزی‌هایی کسب کرد. دیری نباید که شهرت و آوازه وی به سراسر ایران رسید. چون خبر عصیان و ادعای صفی میرزا در مشهد به شاه تهماسب ثانی رسید، وی نامه‌ای به سران و بزرگان بختیاری و کهگیلویه نوشت و ادعای صفی میرزا را کذب محض و خلاف واقع خواند و خواستار سرکوب او گشت. بزرگان کهگیلویه و بختیاری و جماعت پیرامون صفی میرزا، با دریافت «رقم اشرف و فرمایش» شاه تهماسب، متفق گشته و علیه پادشاه دروغین به پا خاستند در اواسط محرم ۱۱۴۰ق (۱۷۲۸م) در دهمدشت آن بیچاره را به قتل آوردند (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۱؛ مروی، ۱۳۶۴: ۴۹).

### ۳. دوران نادرشاه افشار

دوران نادر شاه یکی از دوران‌های پر حادثه تاریخ بختیاری است. بختیاری‌ها در دوران صفویه موقعیت برجسته‌ای کسب کرده و با مقاومت در مقابل افغان‌ها، توان نظامی خود را به اثبات رسانده بودند و بختیاری‌ها به خودمختاری عادت داشتند و نادر اطاعت همه جانبه بختیاری را خواستار بود و از طرفی ظلم و فشارهای مالیاتی نادرشاه عرضه را بر همگان تنگ کرده بود. این مسئله به شورش‌های پی در پی بختیاری‌ها

دامن می‌زد. از سوی دیگر بختیاری‌ها در سپاه نادر جایگاه مهمی داشتند و در فتوحات و تحرکات نظامی او شرکت می‌کردند.

### ۳-۱. شورش‌های بختیاری در دوران نادرشاه

#### ۳-۱-۱. شورش سال ۱۱۴۲ هجری قمری

نادر پس از اخراج افغان‌ها به حاکم بختیاری دستور داد، دویست خانوار از بزرگان بختیاری را به اصفهان کوچ دهد. اما وقتی نادر از اصفهان دور شد بختیاری‌ها از پذیرش فرمان نادر سرباز زدند. نادر خشمگین شد. هزار خانوار بختیاری که در سپاهش در خدمت‌گذاری بودند خلع سلاح کرد و به پیرمحمد خان حاکم منطقه جام خراسان سپرد تا در آن منطقه اسکان داده شوند، علاوه بر آن، دستور داد به جای دویست خانوار، چهارصد خانوار بختیاری به منطقه جام کوچانده شود (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

#### ۳-۱-۲. شورش سال ۱۱۴۴ قمری

فشارهای مالیاتی نادر یکی دیگر از عوامل شورش پی در پی بختیاری علیه نادر بود. در واقع کشور بعد از حمله افغان‌ها و ویرانی توان پرداخت مالیات را نداشت ولی نادر برای اجرای برنامه‌های خود به منابع زیادی نیاز داشت بعد از واقعه بغداد طایفه بختیاری ترک اطاعت و فرمانبرداری کردند و دوباره سر به شورش برداشتند. «چون طایفه بختیاری به نحوی که ایمانی به آن شد، در کوهستانات بخودسری سر برآورده بودند، بابا خان بیگلربیگی فیلی را با حکام اردلان و همدان و کرمانشاهان و بیست و چهار هزار نفر ملازم ایلجاری به تنبیه آن طایفه مأمور کرد» (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

#### ۳-۱-۳. کشته شدن احمدخان بختیاری در سال ۱۱۴۵ قمری

محمد کاظم مروی می‌نویسد: در سال ۱۱۴۵ قمری و اندکی پس از تاج‌گذاری شاه عباس سوم در اصفهان، بختیاری‌ها شورش کردند، در این شورش احمدخان فرزند قاسم‌خان به قتل رسید. گفته می‌شود یکی از سران بختیاری به نام کاید علی صالح در این جریان نقش داشت و قاتلان احمدخان که تعدادشان دویست نفر است در قلعه

مستحکمی پناه گرفته‌اند. با اصرار هفت لنگ‌ها ابتدا کاید علی‌صالح که در اصفهان بود، دستگیر شد و در فراشخانه زندانی شد. سپس نادر افرادی به منطقه بختیاری اعزام کرد تا ده تا دوازده هزار بختیاری را به استخدام ارتش درآورند. هر چند طوایف چهارلنگ اطاعت کردند، طوایف هفت لنگ که از قتل احمدخان و عدم رسیدگی به آن ناراضی بودند. در مقام عصیان برآمده و از قبول فرمان خودداری کردند. شاه به توصیه کاید علی‌صالح جمعی از بزرگان بختیاری را برای جمع‌آوری سرباز اعزام کرد تا «سپاه بی‌قرینه‌ای که امتیاز بر سایر غازیان داشته باشد گرفته و آماده باشند که موکل جهانگشاه نیز متعاقب وارد آن نواحی خواهد گردید» (مروی، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۳۴-۲۳۵).

نادر بعد از شنیدن این خبر دستور داد سردار حویزه در بهبهان با سپاهیان خود عازم شوشتر شود و بابا خان چاپشلو نیز از لرستان به طرف رودخانه‌ای که محل عبور بختیاری‌ها بود حرکت کنند و راه آن‌ها را مسدود نمایند (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). نادر مدتی بعد در ۱۳ اکتبر ۱۷۳۴ از راه گلن آباد - سعادت آباد - کوه صفه و نجف آباد (فلور، ۱۳۶۸: ۳۹)، عازم بختیاری شد و جمعی از سرکردگان و سرخیلان طوایف با هدایا و پیشکش از او استقبال کردند و عذر تقصیر خواستند. تعدادی از قاتلان احمدخان نیز در پناهگاه خود در بند بناور<sup>۱</sup> متحصن گردیده بودند. نادر از راه لطف و آمیزش درآمده، و تقصیرات آنان را بخشید. اما ابوالفتح‌خان، کاید علی‌صالح و نجف‌آقا به عنوان سرکردگان طوایف هفت لنگ بر قصاص قاتلان اصرار داشتند. پس از آن نادر به محاصره قلعه بناور اقدام کرد و با مقاومت شدید روبرو شد. سرانجام پس از ۲۱ روز با شلیک خمپاره، قلعه فرو ریخت و شورشیان دستگیر شدند. و قاتلان مذکور را به سرکردگان طوایف بختیاری داد که در عوض مقتولان خود به قصاص رسانیدند و سه هزار ملازم رکابی از آن طایفه گرفته و وارد خلیل آباد گردید. اما اکثر بزرگان طوایف هفت لنگ و چهار لنگ از فرمان نادر اطاعت نکردند و خشم او را برانگیختند تا جایی که نادر دستور قتل عام صادر کرد. ولی کاید علی‌صالح میانجی‌گری کرد و قول داد خواسته‌ی نادر را برآورده کند. نادر موافقت کرد و کاید علی‌صالح هفت هزار سرباز

بختیاری‌ها را جمع‌آوری کرد و رضایت نادر را جلب نمود. به همین دلیل نادر منصب وکالت بختیاری را به او داد و تعدادی از سران بختیاری مانند ابوالفتح خان، منصورخان، محمد حسن خان و جلال خان را به عنوان ملازم با خود همراه کرد. علاوه بر آن به تعدادی از سران بختیاری دستور داد خانواده‌های خود را به اصفهان کوچ دهند و خودشان در رکاب نادر باشند (مروی، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۴۳-۲۴۵).

پس از این واقعه نادر دستور داد سه هزار خانوار از طوایف بختیاری چهارلنگ را به خراسان کوچ دهند و حکومت بختیاری به یکی دیگر از پسران قاسم خان، به نام ابوالفتح خان واگذار شد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۸۸-۱۸۹). یکی دیگر از اقدامات نادر پس از این واقعه، واگذاری حکومت جانکی سردسیر و گرمسیر به علی رضا بیگ سرکرده طایفه‌ای از ایل زنگنه در سال ۱۱۴۶ قمری بود (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۵۴).

### ۳-۱-۴. شورش محمد خان بلوچ در سال ۱۱۴۶ قمری

مؤلف گمنام حدیث نادرشاهی می‌نویسد: «نائب السلطنه در مواجهه با کوه‌نشینان دلیر بختیاری که متعصبانه می‌جنگیدند سرسختی بسیار نشان داد» (حدیث نادرشاهی، ۲۵۳۶: ۱۶۵). این گزارش‌ها بیانگر اولین رویارویی نادرشاه با بختیاری است که با خشونت همراه بود و سرآغاز شورش‌های بعد بختیاری و پیوستن آن‌ها به شورش‌های بود که علیه نادر شاه به پا می‌کردند. سال بعد بختیاری‌ها به شورش محمد خان بلوچ پیوستند.

گزارش‌های هلندی‌ها از خشم و انتقام نادر در مقابل شرکت بختیاری در این شورش حکایت می‌کند.

هلندی‌ها ذیل وقایع ۶ مارس ۱۷۳۴، ۱ شوال ۱۱۴۶ قمری گزارش می‌دهند که نادر فرمان داد تمام بختیاری‌های ساکن روستاهای اطراف اصفهان به خراسان کوچ دهند و روستاهای آن‌ها را نابود کرد و آتش زدند (فلور، ۱۳۶۸: ۶۰).

در گزارش‌های پایان نوامبر ۱۷۳۶ در استانه تاج‌گذاری نادر شاه آمده است که بختیاری که مدت زمانی نسبتاً آرام به نظر می‌رسیدند؛ ۳۶۰۰ سپاه خراسانی را که علیه آنان اعزام شده بود، شکست دادند و همچنان به عصیان و شورش خود ادامه دادند (همان، ۶۸).  
 استرآبادی ذیل وقایع سال ۱۱۴۶ ق می‌نویسد: «... جمعی از طوایف بختیاری که مأمور خراسان بودند از عرض راه فرار و در کوهستانات بختیاری اظهار سرکشی و استکبار کرده‌اند، از موقف اعلی باباخان چاپشلو بیگلریگی لرستان فیلی، به تنبیه آن طایفه خیره سر مأمور گشته، در محل موسوم به «زز»<sup>۲</sup> در قله کوهی، که سقناق آن جماعت بود، پیاده از اطراف کوه یورش برده، بعد از کوشش و کشش بسیار، آن طایفه را مغلوب، و جمعی از ایشان به رودخانه آن ناحیه غریق، و فوجی هم ببارقه شمشیر صاعقه‌بار دلیران دچار حریق گشته، تتمه با عیال و اطفال دستگیر شدند و باشاره آن حضرت با سکنه الوار خلیل آباد کوچیده، روانه خراسان، و در ولایت جام پهلو نشین ایلیت رفقا گردیدند» (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

### ۳-۱-۵. شورش علیمراد خان

نادر در دست مغان تاجگذاری کرد، به نوشته محمد کاظم مروی سران بختیاری در این مراسم حضور داشتند (مروی، ۱۳۶۴: ۲ / ۴۴۷). اما در این زمان بختیاری‌ها آماده شورش بودند این بار سرکردگی شورش را یکی دیگر از سران بختیاری به نام علی مرادخان عهده‌دار بود. هلندی‌ها ذیل وقایع مارس / شوال به تاجگذاری نادرشاه، و عزیمت به اصفهان اشاره می‌کند و در مورد شورش بختیاری گزارش می‌دهد: «در این میان بار دیگر بختیاریان به سرکردگی مردی به نام شاهمراد که برای دعوت شوشتریان به همکاری با خود، به این شهر رفته بود، سر به شورش برداشتند. شاهمراد جیقه‌ای بر سر نهاده بود. شوشتریان به او پیشنهاد کردند که شش هزار تومان بگیرد و آن‌ها را به حال خود بگذارد زیرا که هنوز اثر ضرب ژانویه ۱۷۳۴ در آن‌ها بهبود نیافته بود»....»  
 نادر با شاهمراد بختیاری که پل چوبی شوشتر را برداشته و به سوی اصفهان روانه شده بود به جنگ پرداخته او را دستگیر و با دو بیست تن از هواخواهانش بی‌رحمانه به قتل

رساند. نادر دویست خانوار دیگر را به خراسان کوچاند و پنج هزار خانوار را در سرمای سخت در کوهستان‌ها رها کرد» (فلور، ۱۳۶۸: ۷۳ - ۷۴).

مؤلف گمنام حدیث نادرشاهی می‌نویسد که نادر پس از تاج‌گذاری به قزوین رفت دو ماه در آنجا توقف کرد و سپس برای سرکوب بختیاری عازم شد و پس از سرکوب شورش آنان «دو هزار سوار از آن جماعت ملازم رکاب و خانه و کوچ آن‌ها را به جانب خراسان نقل نمودند» (حدیث نادرشاهی، ۲۵۳۶: ۱۶).

مفصل‌ترین گزارش در مورد این شورش در عالم آرای عباسی یافت می‌شود. وی در مورد دلیل شورش می‌نویسد «علی‌مراد بختیاری... جوانی بود فرزانه و مردی بود مردانه و در هنگامی که طلوع کوكب صاحب قرآنی پرتو افکن بلاد چهارم‌حال بختیاری شد، علی‌مراد مذکور وارد درگاه جهان پناه شد و به خدمات شاهراه دین و دولت قیام نمود. خاقان صاحبقران مومی الیه را در سلک اون باشیان یساول حضور برقرار گردانید، و علی نجف بیگ و جمعی دیگر را به مناسب لایقه مین باشی‌گری و یوزباشی‌گری برقرار فرمود. از این بابت کمال کدورت و عدالت بر دل پر کینه آن جا گرفت، که به مرتبه حکومت و مین‌باشی‌گری سرافراز نگردید. و با وجود آنکه در میانه طایفه جلیله بختیاری چندان معروف و مشهور نبود، نهایت در آیین جلادت و نامداری قرینه رستم و اسفندیار بود، و ضرب شمشیر آن جمیع سرکشان بختیاری را در اطاعت کاید علی‌صالح و سرکردگان آن نواحی درآورده بود. چون مدتی در خدمت شاه عالم پناه مصدر خدمات شایسته به تقدیم رسانید، در هنگامی که عبدالله پاشا ... در حد ایروان شکست یافته بود، علی‌مراد در آن هنگامه قتال کوشش و جدال زیاد کرده، خود را به خزانه عبدالله پاشا رسانیده، موازی یک استر زر سرخ بار داشته بدست آن افتاده بود. یوز باشی علی‌مراد بر آن وقوف یافته، در تخویف و تهدید آن در آمده و علی‌مراد نیز ابا نموده، یوزباشی تازیانه‌ای چند به علی‌مراد زده، آغاز فحش و دشنام نمود آن مرد مردانه را غیرت به جوش آمده، به خدمت علی نجف بیگ یوزباشی خود شکایت

نمود. مومی الیه چیزی به بهای آن گفتگوی آن نداده، بنا را به تغافل گذاشت، علیمراد از آن مأیوس شد...» (مروی، ۱۳۶۴: ۲ / ۴۷۱).

علیمراد پس از این واقعه اندیشه خود را برای شورش علیه نادر را با تعدادی از بختیاری‌ها مطرح کرد همراه با سیصد تا چهارصد بختیاری از اردوگاه نادر خارج شده و به منطقه بختیاری گریخت. زمانی که شورش علیمراد خان آشکار شد، بی‌درنگ بیست هزار بختیاری به او ملحق شدند. علاوه بر آن لره‌های لرستان نیز به شورش پیوستند. علیمراد اعلان کرد قصد دارد نادر شاه را از بین برده، شاه تهماسب مخلوع را دوباره بر تخت بنشانند و سپس کشور بین آن دو تقسیم شود.

علیمراد سکه‌ای ضرب کرد که روی آن نوشته شده بود:

می‌کنم دیوانگی تا بر سرم غوغا شود      سکه بر زر می‌زنم تا صاحبش پیدا شود  
علی، مراد مرا داد و بخت یاری کرد      به زیر سکه من نقره کامکاری کرد  
(همان، ۴۷۲).

بعد از نبرد در محال ززه، بابا خان چاپشلو با جمعی از خوانین و حکام بدفع ایشان مأمور گشته، مدتی بعد سپاهی به فرماندهی سلطانعلی بیگ ایوردی، نجفقلی بیگ، حاکم شوشتر و نایب کوه گیلویه اعزام شد، بختیاری‌ها در پناه کوهستان و با شلیک تفنگ و انداختن سنگ، سپاه اعزامی را شکست دادند و هر سرکرده‌ای را با تعدادی از عساکر و غازیان مقتول ساخته و بقیه سپاه که در پای کوه سالم مانده بودند وادار به فرار کردند. نادر که در این زمان در ایروان بود، برای سرکوب شورش حرکت کرد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۸۱).

نادرشاه با سپاهی بزرگ در اول جمادی الثانی ۱۱۴۹ (حدیث نادرشاهی، ۲۵۳۶: ۱۹۶) عازم بختیاری شد و با ورود او سپاه علیمراد پراکنده شد و خودش پنهان شد. نادر در شوشتر مستقر شد و صد هزار سرباز و صد هزار تن از ایلات را موظف نمود علیمراد را دستگیر کنند، پس از یک جستجوی گسترده سرانجام علیمراد دستگیر و با شکنجه بسیار کشته شد (مروی، ۱۳۶۴: ۲ / ۴۷۶).

به نوشته استرآبادی علیمراد خان در قلعه‌ای به نام لیرو<sup>۳</sup> در کنار آب لیروک متحصن شده بود. نادر «فوجی از غازیان رکاب را با قشون فیلی و اردلان و همدان از جانب ولایتی که متصل بکوهستانات فیلی است، و جمعی از جزایر چیان کوهنورد را با سپاه شوشتر و کرمانشاهان از طرف دشت گرگان و فرقه عظیمی از افواج قاهره را از طرف ماردشت و گروه انبوه با عساکره کوه گیلویه و جمعی کثیر از راه اصفهان بجانب هزار چم بختیاری مأمور و مقرر داشتند» علیمراد را دستگیر کنند. پس از تصرف قلعه توسط سپاه نادر، به کوه کورکش در مرز بختیاری با لرهای فیلی گریخت و در آنجا دستگیر شد پس فرمان به قطع دست و پا و کندن چشم او صادر گشته (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۸۲ - ۲۸۳). پس از این واقعه، نادرشاه دوهزار نفر از طوایف هفت لنگ و چهار لنگ را به سرکردگی ابوالفتح خان و قاسم‌خان و کاید علی‌صالح و تعدادی دیگر از سرکردگان بختیاری به خراسان تبعید و در ولایت جام اسکان داد (همان، ۴۷۷).

علت شکست علیمراد را می‌توان در این نکته جستجو کرد که او نتوانست تمام طوایف بختیاری را به اطاعت خود درآورد. در هنگام درگیری علی مراد با نادرشاه، دو نفر از خوانین بزرگ بختیاری علی‌صالح خان دورکی و علی مردان خان چهارلنگ با نیروی خود در خدمت نادر بودند. در نتیجه این عدم وحدت و همبستگی بین طوایف بختیاری موجب شکست علی مراد شد.

بر اساس منابع اصلی این دورهٔ این قیام در حد خود مهم بوده است.

### ۳-۱-۶. شورش محمد علی خان قرخلو

ظلم و ستم‌های نادر با گذر زمان افزایش یافت و در سال‌های پایانی حکومتش به اوج خود رسید. کشیش بازن در این مورد می‌نویسد: «در این دو سالهٔ واپسین حیات خود خست و بیدادگری را به درجهٔ اعلی رسانیده بود. بومیان و بیگانگان، شاهزادگان و حاکمان، سربازان و سرداران همگی از خشم و غضب او اندیشناک بودند» (بازن، ۱۳۶۵: ۳۵) این مسئله به شورش‌های متعددی دامن زد که در برخی از آن‌ها بختیاری‌ها حضور داشتند. در سال ۱۱۵۹ قمری محمد علی خان قرخلو، حاکم همدان علیه نادر

شورش کرد و بختیاری به او ملحق شدند. مروی در مورد دلیل پیوستن بختیاری‌ها به این شورش بر فشارهای مالیاتی نادر شاه تأکید می‌کند «مقارن این احوال، جماعت الوار بختیاری به جهت تضریح محاسبه به درگاه معلی رفته بودند، با چشمای کور، مقید و محبوس، هر یک صد الف و دویست الف، و محصلان غلیظ و شدید تعیین شده بود که در عرض دو ماه وجه مذکور را استرداد و انفاذ خزانه عامره کلات نمایند. چون جماعت مذکور احوال را چنان مشاهده نمودند، ناچار همگی روی نیاز به درگاه محمدعلی خان سردار آورده، و طالب نجات گشتند» (مروی، ۱۳۶۴: ۳ / ۱۰۹۰).

علاوه بر آن ۱۵۰۰ تن از بختیاری‌ها که از ظلم و ستم خوانین خود آزاده خاطر شده بودند به شورشیان ملحق شدند. تعداد بختیاری‌های سپاه محمد علی خان به چهارده هزار تن رسید و همگی متقبل شدند که بدون دریافت مواجب به محمد علی خان خدمت کنند. اما این شورش به دست میر علم خان خزیمه سرکوب شدند و با قتل محمد علی خان و پراکنده شدن بختیاری‌ها به پایان رسید (همان، ۱۰۹۳).

### ۳-۱-۷. شورش سال ۱۷۴۳ میلادی

اوتر می‌نویسد در سال ۱۷۴۳م «از بختیاری‌ها، بیش از دو هزار خانوار را به خراسان انتقال داده بودن، آنان هم وسیله فرار و نجات خود را پیدا کردند و به سرزمین خویش برگشتند و سر به شورش برداشتند و به کوه‌ها گریختند. نادرشاه از قیام همگانی مردم این سرزمین بیم داشت، به ازبکان و دستجات دیگری که در اهواز بسر می‌بردند، فرمان داد تا برای سرکوبی آنان براه افتند» (اوتر، ۱۳۶۳: ۲۴۳).

### ۳-۲. نقش بختیاری‌ها در سپاه نادر

در دوران نادرشاه، بختیاری‌ها به عنوان نیرویی نظامی با قابلیت‌های بالای رزمی شناسایی شدند. نادرشاه که برای تحقق اهداف خود به نیروی نظامی قدرتمند نیاز داشت، از بختیاری‌ها برای حضور در لشکرکشی‌های مختلف بهره گرفت. آنان در نبردهای بزرگ، از جمله در جنگ‌های هندوستان و مناطق شرقی ایران، حضوری فعال

و موثر داشتند. مهارت‌های جنگی و شجاعت بختیاری‌ها کمک شایانی به پیروزی‌های نظامی نادرشاه کرد.

در گزارش هلندی‌ها در مورد اولین روزهای تصرف اصفهان توسط نادر به شخصی به نام حافظ بیگ به عنوان مهماندار باشی سلطان لره‌های بختیاری اشاره می‌شود که از نفوذ زیادی نیز برخوردار بود (فلور، ۱۳۶۸: ۱۷) این گزارش نشان می‌دهد که در اولین روزهای آزادی اصفهان و اخراج افغان‌ها در اصفهان حضور داشتند. به احتمال زیاد، بختیاری‌ها در زمان حرکت نادر به سوی اصفهان، به او ملحق شدند یا از سمت دیگر به سوی اصفهان پیشروی کردند. در هر صورت در اولین روزهای قدرت‌گیری نادر با او در ارتباط بودند.

### ۳-۲-۱. بعد از رانده شدن افغان‌ها از اصفهان سال ۱۱۳۷ / ۱۷۲۵

احمد پاشا به ایران حمله کرد و تا سرزمین لرستان و بختیاری جلو راند و در آنجا در مقابل آن‌ها مقابله شد و ناچار از همان‌جایی که آمده بود برگشت (اوتر، ۱۳۶۳: ۱۱۷؛ نوائی، ۱۳۶۸: ۸۹).

### ۳-۲-۲. شورش اعراب در مقابل نادر شاه

وقتی نادر در سال ۱۱۴۵ قمری اولین شورش بختیاری‌ها را سرکوب کرد، تعدادی از آن‌ها را به سپاه خود ملحق نمود. و عازم عراق شد. پیش از ورود به عراق مطلع شد که طوایف اعراب پیرامون شوشتر و حویزه به راهزنی و آشوب روی آورده اند، برای سرکوب آن‌ها سپاهی فرستاد که بخشی از آن‌ها بختیاری بودند (مروی، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۵۰).

### ۳-۲-۳. نبرد با عثمانی

پس از آن نادر برای جنگ با عثمانی عازم عراق عرب شد بختیاری‌ها در نبرد اول عثمان پاشا که در سال ۱۱۴۶ قمری در کرکوک رخ داد و به شکست نادر منجر شد، حضور داشتند (همان، ۲۸۹).

سرهنگ الماس خان زنگنه از سرداران نادرشاه در نادر نامه ذکر می‌کند که در جنگ سال ۱۱۴۶ که بین نادر و توپال پاشای عثمانی رخ داد یکی از طوایف شرکت کننده در جنگ بختیاری‌ها بودند (توحیدی، ۱۳۸۴: ۹۷۴؛ مروی، ۱۳۶۴: ۲۸۸).

احمد پاشای باجلان نیز توسط یک بختیاری از سپاه نادر کشته شد (مروی، ۱۳۶۴: ۲۵۴).

در نبرد با عبدالله پاشا که در سال ۱۱۴۷ قمری در محلی به نام باغ آورد در اطراف ایروان رخ داد و به پیروزی نادر منجر شد، بختیاری‌ها حضور داشتند و سرکردگی آن‌ها با کاید علی صالح بود (همان، ۳۹۷).

### ۳-۲-۴. فتح قندهار

مهمترین دستاورد بختیاری‌ها در سپاه نادر شراکت در فتح قندهار بود. نادر برای تصرف قندهار در اواخر سال ۱۱۴۹ قمری با سپاهی بزرگ عازم قندهار شد. حسن غلجایی در شهر قندهار و در پشت دیوارهای مستحکم آن پناه گرفت. نادر با وجود توپخانه سنگین نتوانست در دیوارهای شهر رخنه کند و کار محاصره یک سال به طول انجامید تا این که در ذی‌حجه سال ۱۱۵۰ قمری سپاه نادر به شهر وارد شد.

هلندی‌ها در مورد نقش بختیاری‌ها در فتح قندهار اینگونه گزارش می‌دهند: «نادر دسته سپاهیان که توسط بختیاری‌ها رهبری می‌شدند در قندهار باز گذاشت، بختیاریان حمله نهایی را انجام داده بودند و اینک نیز بهترین سهم غنائم را دریافت می‌داشتند، گنجینه‌ای مرکب از سیصد هزار تومان پول نقد و جواهرات و نیز ذخایر جنگی، آذوقه و خوراک به چنگ نادر افتاد» (فلور، ۱۳۶۸: ۸۳). مرعشی درباره چگونگی ورود بختیاری‌ها به قندهار می‌نویسد که قلعه قندهار سه برج داشت که یکی از آن‌ها به نام برج دده از سایرین ارتفاع کمتری داشت و «فرقه بختیاری را بخت یاری نموده از همان راه برج دده شبانگاه بی‌خبر بر قلعه مستوفی گردیدند» (مرعشی، ۱۳۶۲: ۱۳).

محمد کاظم مروی گزارش مفصلی در این مورد ارائه می‌دهد وی می‌نویسد: که وقتی کار قندهار به طول انجامید نادرشاه داوطلبان را احضار کرد. در این هنگام، یکی از بختیاریان به نام ملا آدینه که مستوفی بود، داوطلب شد. نادرشاه از داوطلب شدن یک نویسنده و اهل قلم شگفت زده شد، اما سرانجام موافقت کرد و ابزارهای مورد نیاز را در اختیار ملا آدینه و بختیاری‌ها قرار داد. آنان علی‌رغم فرمان نادرشاه که انجام هر گونه حمله بدون دریافت فرمان نهایی نادرشاه را خلع کرده بود، به شهر قندهار حمله‌ور شدند و بر قلعه آن شهر مسلط شدند. ملا آدینه اولین کسی بود که از دیوار شهر بالا رفت به دنبال آن، بقیه سپاه نیز از حصار عبور کردند و به شهر وارد شدند. شجاعت ملا آدینه و افرادش به سقوط قندهار منجر شد (مروی، ۱۳۶۴: ۲ / ۵۴۳-۵۴۸). نقش بختیاری‌ها در فتح قندهار آن چنان مهم بود که در فتح نامه قندهار که از طرف نادرشاه به برادرش محمد ابراهیم خان، حاکم آذربایجان صادر شد. به نقش بختیاری‌ها در آن واقع اشاره شده است: «..... چون توپ‌های قلعه کوب در بنیان برج مشهور به دده انداخته محافظت آن سمت به جماعت بختیاری تعلق داشت آن طایفه را بخت یاری و عون الهی مددکاری و از سایر غازیان پیشدستی کرده برج دده را از تصرف قلعه‌گیان بیرون و به عون عنایت قادر ذوالنمن و به پایمردی تلاش و مردانگی هجوم آور گشته دروازه‌های قلعه را مفتوح و کل قلعه قندهار را به تصرف درآوردند.....» (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۳۰۴).

### ۳-۲-۵. فتح هندوستان

بختیاری‌ها پس از فتح قندهار در لشکرکشی نادر به هند نیز حضور داشتند. نادر شاه پس از رویارویی با سپاه هند، دو جاسوس برای تحقیق درباره سپاه هند اعزام کرد، که یکی از آن‌ها بختیاری بود. مؤلف گمنام حدیث نادرشاهی، در این مورد می‌نویسد: «چون بایستی تحقیق کامل شود عبدالله کاشی و تقی بختیاری که هر دو از چابک سواران و عیارپیشگان که عمله توپخانه مبارک بودند، حکم اقدس شرف نفاذ یافت که هر دو رفته، حسب الواقع جاسوسی نموده خبر تحقیق از لشکر هندوستان و امراء آنجا

آوردند» (حدیث نادرشاهی، ۲۵۳۶: ۱۰۵). در عملیات اردو در خاک پاکستان، در خط دوم پیاده سنگین اسلحه و در جناحین افواج سوار بختیاری و گرجی که در حقیقت بهترین قسمت قشون ایران محسوب می‌شدند قرار داشتند (توحیدی، ۱۳۸۴: ۷۳۱).

### ۳-۲-۶. سرکوب شورش دلاور خان تایمنی

در سال ۱۱۴۷ قمری که دلاور خان تایمنی در غرچستان عصیان کرد. نادر سپاهی برای سرکوب او اعزام کرد. چون دلاورخان از حدود سپاه قزلباش اطلاع یافت، ایلات و احشامات خود را به میان کوهستان غرچستان روانه کرد و خود با فوجی از تفنگچیان پیاده در گذرگاه‌ها و دره‌ها کمین کرده و منتظر سپاه قزلباش بود. سردار طهماسب جلایر بعد از ده روز سرگردانی بنا بر گزارش جاسوس عازم آن مکان شدند و جنگ سختی در گرفت و جمع کثیری از طرفین کشته شد و چون سردار از دستیابی ناکام ماند «ناچار جمعی از تفنگچیان را از جماعت بختیاری از یک سمت آن جبال یقین فرمود، که بالا رفته به کمانداری بپردازند. طایفه مذکور مستأصل گردید، و از آنجا که سنگر و سقناق خود ساخته بودند حرکت نموده، اراده داشتند که خود را به جبال بگیرند، که غازیان قزلباش چالاکی نموده، به شلیک دورانداز فوجی عفیر از آن طایفه را به خاک ادبار نشانند» (مروی، ۱۳۶۴: ۱ / ۴۳۷).

### ۳-۳-۷. شورش محمد تقی خان شیرازی

بختیاری‌ها در شورش محمد تقی خان شیرازی که بزرگ‌ترین شورش علیه نادر تلقی می‌شد نیز حضور داشتند (همان، ۳ / ۹۴۴).

### ۴. نتیجه‌گیری

تحولات تاریخی منطقه بختیاری متأثر از شرایط جغرافیایی که عمدتاً کوهستانی است می‌باشد که از ساکنانش در مقابل هر گونه هجوم خارجی محافظت می‌کند. سبک زندگی کوچ‌نشینی بختیاری عامل دیگری است که به دلیل شرایط زندگی از خصال جنگی برخوردار بودند و می‌توانستند از خودشان در مقابل مهاجمین دفاع کنند. آن‌ها به‌طور سنتی افراد جنگجویی بوده و نظام قبیله‌ای منسجمی داشته‌اند که آن‌ها را به یکی

از نیروهای نظامی قابل اعتنا در ایران تبدیل کرده است. اوضاع آشفته سیاسی پایان حکومت صفویه فرصتی مناسب برای قوم بختیاری در رأس آن‌ها قاسم‌خان بختیاری فراهم ساخت تا با حضور در عرصه‌ی حوادث، با افغان‌ها درگیر شوند و به تکاپو برای دستیابی به قدرت دست بزنند.

در زمان صفویه حکومت بختیاری به طور موروثی در اختیار خوانین بختیاری بود و پس از سقوط صفویه و اخراج افغان‌ها با بزرگ‌ترین و خشن‌ترین فرمانروای ایران مواجه شدند که مصمم بود بختیاری‌ها را زیر سلطه خود در بیاورد. رابطه بختیاری‌ها با نادر رابطه دو سویه بود. اصرار نادر بر کوچ بختیاری‌ها و فشارهای مالیاتی و ظلم و ستم‌های نادر مهم‌ترین دلایل شورش‌های متعدد بختیاری علیه وی بود. دسته‌بندی طایفه‌ای و رقابت داخلی بین بختیاری‌ها از یک سو و شدت عمل نادر نسبت به آن‌ها، از عوامل عمده ناکامی بختیاری‌ها بود.

علی مرادخان بختیاری یکی از کسانی بود که برای کسب سلطنت در مقابل نادر شاه صف‌آرایی کرد اما نتوانست تمام طوایف بختیاری را با خود همراه کند و در سپاه نادر دو نفر از خوانین بختیاری به نام علی مردان خان چهارلنگ و علی صالح خان دورکی با نیروهای خود در اختیار نادر بودند، و این عدم وحدت و همبستگی موجبات شکست او در مقابل پادشاه افشاریه را فراهم ساخت. پیوستن بختیاری‌ها به سپاه نادر به ارتقا جایگاه آنان کمک کرد و باعث شد بختیاری فراتر از مرزهای زادگاه خود در دستاوردهای نظامی نادر سهمین شوند و برای دستیابی به جایگاه سیاسی برجسته‌تر در ایران از فرصت‌های بیشتری برخوردار شوند. نادرشاه، با درک اهمیت و قدرت قوم بختیاری، سعی کرد تا با انتصاب سران این قوم به مناصب حکومتی، وفاداری این قوم را به حکومت مرکزی جلب کند. علاوه بر این، بختیاری‌ها با توجه به موقعیت استراتژیک خود در مناطق زاگرس و نزدیکی به مراکز تجاری و جغرافیایی مهم، توانستند تأثیر مثبتی بر سیاست‌های داخلی و خارجی نادرشاه داشته باشند.

قوم بختیاری در دوران نادرشاه افشار نقشی حیاتی در تثبیت قدرت و گسترش اراضی تحت حاکمیت ایران ایفا کردند. این قوم با برخورداری از توانمندی‌های نظامی بالا و ارتباط نزدیک با حکومت مرکزی، توانستند جایگاه ویژه‌ای را در ساختار سیاسی و نظامی آن دوران کسب کنند. تاثیرات مثبت همکاری بختیاری‌ها با نادرشاه در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی، نشان دهنده اهمیت این قوم در تاریخ ایران است. در مجموع، تعاملات بختیاری‌ها با نادرشاه نمونه‌ای از استفاده هوشمندانه از منابع انسانی قبیله‌ای در راستای تحقق اهداف ملی و دولتی بود که آثار آن در فتوحات و تحکیم قدرت نادرشاه مشهود است.

#### ۵. پانویس

- 1- روستای تاریخی بنه‌وار در دامنه کوه گریوه در ۳۰ کیلومتری شرق لالی قرار گرفته است که از آغاز صفویه تا قاجاریه، مرکز فرهنگ و تمدن بختیاری محسوب می‌شود و دارای بناهای تاریخی مانند خانه‌های اربابی، قلعه‌ها، حمام، میدان چوگان، آسیاب، برج‌های دیده‌بانی، قبرستان، نقاره‌خانه و... است.
- 2- بخش زَز و ماهرو یکی از بخش‌های شهرستان الیگودرز در استان لرستان ایران است.
- 3- "لیروک" از توابع شهرستان الیگودرز، بخش بشارت که در نقطه صفر مرزی دو استان خوزستان و چهارمحال بختیاری واقع شده است.

#### منابع

- استرآبادی، میرزا مهدی خان. (۱۳۹۰) *تاریخ جهانگشای نادری*. تهران: دنیای کتاب.
- اوتر، ژان. (۱۳۶۳) *سفرنامه ژان اوتر*. ترجمه علی اقبالی، تهران: انتشارات جاویدان.
- بازن. (۱۳۶۵) *نامه‌های طبیب نادرشاه*. مترجم علی اصغر حریری، چاپ دوم، تهران: انتشارات شرق.

- توحیدی، کلیم‌الله. (۱۳۸۴) *نادر صاحبقران، کردستان. انستیتو فرهنگی کردستان*: نشر ژیار.
- سانسون، نیکلاس. (۱۳۴۶) *سفرنامه سانسون در زمان شاه سلیمان صفوی*. ترجمه: دکتر تقی تفضلی، تهران: انتشارات ابن سینا.
- سردار اسعد، علیقلی خان. (۱۳۶۳) *تاریخ بختیاری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات یساولی و فرهنگسرا.
- طوسی، محمدعلی. (۱۳۳۹) *شاهنامه نادری*. بتصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- طهماسبی، ساسان. (۱۳۹۶) *لردگان در مسیر تاریخ*. چاپ دوم، تهران: آوای منجی.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۵) *برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان*. ترجمه: ابوالقاسم سری. تهران: نشر توس.
- فلور، ویلم. (۱۳۶۸) *حکومت نادرشاه*. مترجم: ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- قدوسی، محمدحسین. (۱۳۳۹) *نادر نامه*. خراسان: ناشر انجمن آثار ملی.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل. (۱۳۶۲) *مجمع التواریخ*. بتصحیح اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنائی و کتابخانه طهوری.
- مروی، محمد کاظم. (۱۳۶۴) *عالم آرای نادری*. بتصحیح محمد امین ریاحی، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی زوار.
- مؤلف گمنام. (۲۵۳۶) *حدیث نادرشاهی*. تصحیح و تحشیه و تعلیقات رضا شعبانی، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- میرزا رفیعا، محمدرفیع. (۱۳۸۵) *دستورالملوک*. بتصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- میرزا سمیعا، محمد سمیع. (۱۳۷۸) *تذکره الملوک*. بتصحیح سید محمد دبیر سیاقی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- نوائی، عبدالحسین. (۱۳۶۸) *نادرشاه و بازماندگانش همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری*. تهران: نشر زرین.
- وحید قزوینی، میرزا محمدطاهر. (۱۳۸۳) *تاریخ جهان آرای عباسی*. بتصحیح سید سعید میر محمد صادق، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.